

# ابراهم

## غازیان دور

پیر ما بایاران  
رود باری را به تماشا ماندند.  
ناگهان، غلغله خلقان، از همه آّب فراتر رفت  
از سر پل  
مردانی - غرق در پولاد -  
می گذشتند.  
پیر ما پرسید :  
- «این غیوران چه کسانند؟»  
پاسخش گفتند :  
- «غازیانند.»  
پیر پرسید :  
- «به کدامین سوی شتابانند؟»  
باز گفتند :  
- «رو به اقصای جهان دارند :  
کافرستانی ،  
که در آن، اصله بیداد، تناور گشته ست.»  
پیر ما گفت :  
- «وای شان باد، نزدیک رها کرده و تا دور روانند.»

محمد زهری